روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بیهقی
کوچه شهید اکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۸۸۵۲۳۰۶۰- فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشر گستر امروز نوین ۸۸۷۳۰۹۴۲
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۷۴۳۱ | چهارشنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۴ | ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷ | اذان ظهر: ۱۱:۴۹ |
غروب آفتاب: ۱۷:۲۰ | اذان مغرب: ۱۷:۳۸ | نیمه شب شرعی: ۲۳:۰۷ | اذان صبح فردا: ۰۴:۵۴ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۱۸ |

دیده‌بان

مستند برنده اسکار همکاری با شریک صهیونیستی را رد کرد

مستند فلسطینی «سرزمین دیگری نیست»، برنده اسکار بهترین مستند سال از همکاری با یک توزیع‌کننده امریکایی صرف‌نظر کرد؛ شرکتی که به دلیل همکاری‌هایش با نهادهای اسرائیلی مورد انتقاد قرار گرفته است.

«سرزمین دیگری نیست» که به مصائب ساکنان فلسطینی روستای مسافر یطا که در دهه ۱۹۸۰ توسط ارتش اسرائیل به‌عنوان منطقه‌ای برای تمرینات نظامی در نظر گرفته شد، می‌پردازد. روایتگر، جامعه‌ای فلسطینی است که در برابر آوارگی و خشونت نیروهای اسرائیلی مقاومت می‌کند.

این مستند تا پیش از امضای قرارداد پخش با پلتفرم موبی، توزیع‌کننده‌ای در امریکا نداشت. اما پس از آنکه اعلام شد موبی سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیون دلاری از شرکت سرمایه‌گذاری سکویا کپیتال دریافت کرده، سازندگان فیلم در اعتراض به روابط مالی این شرکت با ارتش و صنایع تسلیحاتی اسرائیل، همکاری خود را لغو کردند.

اکنون قرار است «سرزمین دیگری نیست» در پلتفرم‌های دیجیتال امریکا از جمله اپل تی‌وی، آمازون، گوگل‌پلی و یوتیوب به‌طور مستقل پخش شده و در دسترس قرار گیرد.

باسل عدرا یکی از کارگردانان این اثر عنوان کرد: این فیلم واقعیت اشغال و سرکوب اسرائیل علیه فلسطینی‌ها را نشان می‌دهد، اما به نظر می‌رسد چنین حقیقتی با روایت مورد علاقه پلتفرم‌های بزرگ امریکایی سازگار نیست.

ما ماه‌ها با موبی گفت‌وگو کردیم و تصور می‌کردیم فیلم‌مان خانه خود را پیدا کرده است، اما در نهایت فهمیدیم آنها سرمایه‌ای کلان از سکویا کپیتال می‌پذیرند.

یووال آبراهام، دیگر کارگردان این اثر تصمیم موبی برای پخش فیلمی درباره «سرکوبگری اسرائیل» را در تناقض با همکاری اقتصادی آنان با یکی از حامیان ارتش این رژیم دانست و این تصمیم را «غیراخلاقی» توصیف کرد. «چطور می‌شود فیلمی درباره سرکوب اسرائیل ساخت و درعین‌حال با شرکتی شریک شد که در همان سرکوب سهیم است؟»

سازندگان این اثر عنوان کرده‌اند که تمام درآمد حاصل از خرید و اجاره مستند «سرزمین دیگری نیست» به‌طور مستقیم به جامعه‌های فلسطینی در مسافر یطا اختصاص خواهد یافت.

فراخوان چهاردهمین دوره جایزه ادبی یوسف

فراخوان چهاردهمین دوره جایزه ادبی یوسف با محوریت «ایران قوی» و موضوع «جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ایران» ویژه استان تهران منتشر شد.

به گزارش «جوان»، فراخوان چهاردهمین دوره جایزه ادبی یوسف (ویژه داستان کوتاه دفاع مقدس و مقاومت) در استان تهران منتشر شد. این دوره از جایزه ادبی یوسف با محوریت «ایران قوی» و موضوع «جنگ تحمیلی ۱۲روزه رژیم‌صهیونیستی علیه ایران» برگزار می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند در سه بخش «نوجوان»، «بزرگسال» و «داستانک» آثار خود را ارسال کنند. براساس این فراخوان، مهلت ارسال آثار تا ۱۵آبان‌ماه ۱۴۰۴ اعلام شده است و شرکت‌کنندگان می‌توانند فایل Word داستان خود را همراه با مشخصات و شماره تماس از طریق پیام‌رسان ایتا به شماره ۰۹۳۵۶۲۶۶۴۷۲ ارسال کنند. همچنین علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره ۵۷۸۲۵۰۰۰ داخلی ۸۵۶ تماس بگیرند و به دبیرخانه این جشنواره به نشانی تهران، میدان ونک، بزرگراه شهید حقانی، انتهای خیابان سرو، موزه ملی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، معاونت فرهنگی و هنری مراجعه کنند.

حکمت

امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام:

لباس پاکیزه غم و اندوه را می برد و موجب پاکیزگی نماز است.

کافی، ج۶، ص ۴۴۴، ح ۱۴

گفت‌وگوی جوان با کارگردانان فیلم‌های کوتاه «تخطی» و «سلامون»

از هشدار سینمایی درباره خفت‌گیری تا اقتباسی از داستان مارکز

■ **احمد جوان**

کارگردانان دو فیلم کوتاه «تخطی» و «سلامون» از موضوع و اکران فیلم‌هایشان در جشنواره فیلم کوتاه تهران گفتند. فیلم کوتاه «تخطی» ساخته میکائیل دیانی با نگاهی پلیسی ـ اجتماعی، به معضل خفت‌گیری می‌پردازد و در چهل‌ودومین جشنواره فیلم کوتاه تهران به نمایش درآمده‌است. این اثر با روایتی پرتنش و انسانی، مسئله عدالت و ترس را در بستر قانون و مسئولیت اجتماعی بازتاب می‌دهد.

این فیلم روایت خود را با موقعیتی پرکشش آغاز می‌کند؛ پلیسی مقابل قاضی ایستاده تا درباره اقدامی خلاف قانون توضیح دهد. در ادامه با فلاش‌بک‌هایی به گذشته، ماجرای یک خفت‌گیری خشونت‌آمیز بازسازی می‌شود که تبعات فاجعه‌باری برای خانواده‌ای دارد. فیلم از دل همین ماجرا، تضاد میان قانون و عدالت را برجسته می‌کند و مخاطب را درگیر پرسش‌هایی اخلاقی و اجتماعی می‌سازد.

«تخطی» با استفاده از ساختار کلاسیک ژانر پلیسی، تلاش می‌کند از سطح یک قصه جنایی فراتر رود و به واکاوی بحران‌های انسانی در دل جامعه امروز بپردازد. فیلم با تمرکز بر شخصیت پلیسی که خود در مرز قانون و وجدان گرفتار است، تناقض‌های درونی نظام قضایی را به نمایش می‌گذارد. از سوی دیگر، پدر قربانی که به دلیل ترس از تهدیدات بزهکاران از شکایت صرف‌نظر می‌کند، نماینده طیف گسترده‌ای از شهروندان است که میان امنیت و عدالت، ناگزیر به انتخاب سکوت می‌شوند.

فیلم به دور از شعار و اغراق، زبان صمیمی و واقع‌گرایانه‌ای دارد و از طریق دیالوگ‌های ساده و بازی‌های کنترل‌شده، واقعیتی ملموس از جامعه ارائه می‌دهد. در این میان، بازی‌های امیر نوروزی در نقش مأمور پلیس، آرش فلاحت‌پیشه در نقش بزهکار و سیاوش چراغی‌پور در نقش پدر قربانی، از نقاط قوت فیلم به شمار می‌آیند و به آن بعدی انسانی و تأثیرگذار می‌بخشند.

■ **پرداخت حرفه‌ای در روایت و ساختار**

در حوزه فنی نیز «تخطی» از سطح رایج فیلم‌های کوتاه فراتر می‌رود. نورپردازی حساب‌شده، طراحی صحنه دقیق و تدوین منسجم، فضایی پرتعلیق و طبیعی خلق کرده‌اند که با ماهیت ژانر پلیسی - معمایی سازگاری کامل دارد. فیلمنامه منسجم و زمان‌بندی دقیق نیز نشان از دقت و بازنویسی‌های مکرر دارد؛ جزئیاتی که باعث شده فیلم در عین کوتاهی، حس یک درام کامل و پخته را به مخاطب منتقل کند.

«سلامون» در مورد جنازه‌ای است که به ساحل یکی از روستاهای جنوبی ایران می‌آید و با خودش به این روستای قحطی‌زده، برکت (ماهی) می‌آورد. زن‌های روستا شیفته این جنازه می‌شوند و به خانه بازنمی‌گردند و آدم‌ها بر سر یک دوراهی قرار می‌گیرند که باید بین نگهداشتن جنازه و ماهی‌ها یکی را انتخاب کنند

میکائیل دیانی، کارگردان «تخطی»، که پیش‌تر فیلم کوتاه «مدیر مدرسه» را ساخته بود، در گفت‌وگو با جوان تأکید کرد که دغدغه اصلی‌اش پرداختن به مسائل اجتماعی و امنیتی جامعه ایران است. او درباره روند تولید فیلم گفت: وقتی موضوع خفت‌گیری در رسانه‌ها به یک معضل تکراری بدل شد، تصمیم گرفتیم اثری بسازیم که فراتر از نمایش جرم، به ناکارآمدی مجازات‌ها و محدودیت‌های پلیس در مقابله با این پدیده بپردازد. هدف ما این بود که نشان دهیم پلیس مقتدر، حافظ امنیت جامعه است و باید از ابزارهای قانونی لازم برای مقابله با بزهکاران برخوردار باشد.

وی درباره فرایند تولید افزود: نوشتن فیلمنامه با همکاری بنیامین هفت‌لنگ آغاز شد و با مشاوره‌های هادی مقدم‌دوست چندین‌بار بازنویسی شد تا به نسخه نهایی رسیدیم. با وجود چالش‌هایی نظیر توقف تولید در جریان جنگ دوازده‌روزه و محدودیت‌های مالی، پروژه با همدلی گروه و تمرکز بالا به سرانجام رسید.

دیانی همچنین به نقش بازیگران اشاره کرد و گفت: امیر نوروزی از همان ابتدا انتخاب اول من برای نقش مأمور آگاهی بود و با انرژی و دقتی که داشت، به کیفیت کلی اثر کمک کرد. حضور سیاوش چراغی‌پور و آرش فلاحت‌پیشه نیز سطح بازی‌ها را به‌طور محسوسی بالا برد.

به گفته دیانی، هدف از ساخت «تخطی» فراتر از جنبه‌های سینمایی بوده و این فیلم تلاشی است برای طرح دوباره موضوع «عدالت و امنیت» در فضای عمومی کشور.

فیلم کوتاه «تخطی» در مجموع تلاشی است برای بازنمایی دغدغه‌ای واقعی در جامعه، با رویکردی مسئولانه و سینمایی. این اثر، ضمن آنکه از نظر روایت و ساختار حرفه‌ای ساخته شده، توانسته با پرهیز از شعارزدگی، به مسئله‌ای انسانی و اجتماعی بپردازد که سال‌ها در حاشیه مانده‌است.

■ **«سلامون» و اقتباسی از داستان مارکز**

فیلم کوتاه «سلامون» نیز به تهیه‌کنندگی و کارگردانی کمیل ارجمندی از آثار چهل و دومین جشنواره فیلم کوتاه تهران است که در ژانر رئالیسم جادویی شده و با حال‌وهوایی رازآلود و فضایی استعاری، روایتگر ماجرایی است که در یکی از سواحل جنوبی کشور رخ می‌دهد.

کمیل ارجمندی کارگردان فیلم کوتاه «سلامون» گفت: «سلامون» در مورد جنازه‌ای است که به ساحل یکی از روستاهای جنوبی ایران می‌آید و با خودش به این روستای قحطی‌زده که سال‌هاست از آن قاچاق می‌شود، برکت (ماهی) می‌آورد. زن‌های روستا شیفته این جنازه می‌شوند و به خانه بازنمی‌گردند و آدم‌ها بر سر یک دوراهی قرار می‌گیرند که باید بین نگهداشتن جنازه و ماهی‌ها یکی را انتخاب کنند. کاراکتری عاشق در این میان وجود دارد و او تنها کسی است که می‌گوید باید جنازه را به دریا بازگردانند.

وی افزود: قصه در بازه زمانی سال ۱۳۴۰ رخ می‌دهد و قصه سلامون که نام همین جنازه است به ۴۰ سال قبل بازمی‌گردد. قصه‌ای که هر ۴۰ سال یکبار تکرار می‌شود و این فیلم در ژانر درام جادویی است.

ارجمندی در پاسخ به این سؤال که ایده فیلم از کجا آمده‌است، بیان کرد: نویسنده کار اشکان چاووشی از نویسندگان کرمانشاهی است و ایده را از داستان «زیباترین غریق» جهان نوشته «گابریل گارسیا مارکز» اقتباس است.

ارجمندی در پاسخ به این سؤال که چالش‌برانگیزترین بخش فیلم را چه می‌داند، گفت: این کار بسیار چالش‌برانگیز بود و از ثانیه اول تا لحظه آخر درگیر اتفاقات مختلف بودیم. فیلم بسیار سختی بود و ما با ناآگاهی سراغ آن رفتیم. پیش تولید یک هفته‌ای در تهران و سه هفته‌ای در بوشهر داشتیم. هزارو ۱۰۰ کیلومتر با پایتخت فاصله است و بیشتر تیم به شکل زمینی به بوشهر رفت و ۱۰۰ میلیون هزینه هواپیما برای همکاران تهرانی که نخواستند زمینی بیایند پرداخت کردیم. سینه موبیل و تجهیزات در بوشهر نبود و این تجهیزات را از تهران انتقال دادیم که سه روز در راه بود. بازیگر اصلی در دقیقه ۹۰ تماس گرفت که سر کار نمی‌آید چون یک سینمایی به ایشان پیشنهاد شده‌بود و بسیار ناگهانی ما را دچار سردرگمی کرد. تنها ۴۸ ساعت برای انتخاب بازیگر فرصت داشتیم. با مهدی زمین‌پرداز به نتیجه رسیدیم و زمانی که قرار بود به گروه اضافه شود، حمله اسرائیل رخ داد.

نما | حسین کشتکار

دیدگاه

قطب‌الدین صادقی در نشست «سواد بصری در آینه هنرهای نمایشی» مطرح کرد

هجوم تصویر و سقوط تعمق در نسل جدید

■ **مرتضی فاطمی‌نیا**

مترجم و پژوهشگر عرصه هنرهای نمایشی در یکصد و شانزدهمین نشست کتابخانه مرجع کانون به سواد بصری در آینه هنرهای نمایشی پرداخت و تأکید کرد برای نسل امروز باید روش درست دیدن، درست ساختن و درست فهمیدن شکل‌ها را بیاموزیم و در این امر نباید از هیچ هنری غفلت کنیم.

به گزارش «جوان»، یکصد و شانزدهمین نشست کتابخانه مرجع کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در ادامه سلسله نشست‌های «سواد زندگی» با موضوع «سواد بصری در آینه هنرهای نمایشی» با حضور قطب‌الدین صادقی نمایشنامه‌نویس، مترجم، کارگردان تئاتر و بازیگر سینما و تلویزیون و مدرس دانشگاه برگزار شد. صادقی سخنان خود را با اشاره به ریشه قداست کلام در ادیان و فرهنگ‌های سامی آغاز کرد و گفت: «از تورات که می‌گوید «خدا کلمه بود» تا «بشنو کلام یهوه را» و در فرهنگ کهن ما، اهمیت کلام و ارزشمند بودن گوش حاکم است. عبادت نوعی تکرار کلمه است و قداست معماری ما نیز با کلام درآمیخته است.» صادقی تأکید کرد: «ما هزاران سال فرهنگ شفاهی داشتیم و این فرهنگ آنچه را که ناقص بود، کامل کرد. از همین‌رو، راویان، حاملان فرهنگ متحرک ما بودند، اما امروز، این میراث به یک کلام یک‌سویه تبدیل شده که تقدس یافته‌است. این یک‌طرفگی کلام حتی در ساختار اجتماعی و روابط ما هم بازتاب یافته‌است.»

صادقی در ادامه، فرهنگ فناوری غرب را چالشی بزرگ برای جامعه کلام‌محور ما دانست و خاطر نشان کرد: «فرهنگ غرب با تمام قدرت، با ابزار تصویر به دیگران حمله‌ور شده‌است. در پاریس، هفته‌ای ۴۵۰ مجله رنگی، شبی ۶۰۰ نمایش و روزانه هزاران فیلم تولید می‌شود. ما فرهنگ تصویری نداریم. آنها در حال پیشروی و تحلیل نتایج فرهنگ صنعتی خودشان هستند و ما ناچاریم منفعلانه دنبال‌شان برویم.» او با ابراز نگرانی جدی از آسیب‌های این انفعال گفت: «ما لحظه‌ای را برای تحلیل فاعلانه از دست داده‌ایم و ضربه می‌خوریم. یکی از آسیب‌های فرهنگ تصویری معاصر، تولید کلیپ‌هایی با ۵۰۰ تصویر شتابان است که در واقع هیچ‌چیزی را نشان نمی‌دهند، بلکه تمرکز و تعمق را از ما می‌گیرند. بچه‌های ما سطحی بار آمده‌اند.»

■ **زیباشناسی، تزئین نیست**

صادقی تأکید کرد که این شکل واقعاً تعیین‌کننده است، زیرا «یک شکل در خودش یک آرامش روحی و معنوی هم به وجود می‌آورد.» او به نظریه‌ای در میان زیباشناسان اروپا اشاره کرد که مفهوم «استاتیک» (زیباشناسی) را از یک امر تنها تزیینی فراتر می‌برد: «زیباشناسی یعنی آن انسجام، تعادل و توازنی که عرض کردم. این یک قرتی‌بازی، تفنن یا تزیین نیست. آنها اعتقاد دارند که این زیباشناسی آخرین خاطره ازلی است که انسان با خودش از بهشت بیرون آورده است.» او ادامه داد: «ما در پی بازآفرینی آن تعادل زیبای مقدسی هستیم که انسان زمانی که در بهشت بود، آن را تجربه می‌کرد. این به ما آرامش می‌دهد. به عبارت دیگر، خلاقیت شکلی متوازن، یک آرامش معنوی و قدسی به ما می‌دهد و تا آنجا جلو می‌رود که از امری مذهبی سرچشمه می‌گیرد.» این مدرس دانشگاه در ادامه، سطوح مختلف درک تصویری و نشانه‌شناسی را شرح داد و هشدار داد که خوانش تصویری ما نباید فقط محدود به دیدن فیلم سینمایی باشد. او سه لایه را برای درک تصویر معرفی کرد و گفت: «در نشانه‌شناسی (سمیولوژی)، نشانه در واقع علامت است و تناظر یک به یک دارد. مثل عکس شما روی شناسنامه یا پرونده شغلی که معرف شماست و لاغیر. این نشانه هیچ ایهام تفسیری برنمی‌تابد و همه آن را می‌فهمند.» او لایه پیچیده‌تر را «استعاره» دانست و گفت: «زندگی ما پر از استعاره‌های شکلی و فکری است. استعاره در واقع رابطه آنچه نشان می‌دهید با آنچه مورد نظر است را وصل می‌کند. مثلاً دست دادن یک استعاره است.» صادقی پیچیده‌ترین لایه را «نماد» معرفی کرد و گفت: «نماد بسیار بسیار پیچیده است. نماد را فرد به وجود نمی‌آورد، جمع به وجود نمی‌آورد؛ بلکه یک فرهنگ در طول تاریخ آن را می‌سازد. پشت نماد یک تاریخیت، یک مداومت تاریخی و ارزش‌های متعدد معنوی و فکری وجود دارد. نماد دست شما نیست که آن را بیافرینید. در نماد، رابطه آنچه نشان می‌دهید یا می‌گویید با آنچه مورد نظر است، بسیار پیچیده و متعدد است.»

■ **وحدت تصویر و کلام در اندیشه کهن**

صادقی تأکید کرد، آموختن اندازه‌گیری‌ها، چه در فضا، چه در زمان و چه در شکل، همان خلاقیت است و این شکل‌دهی نباید در ضدیت با کلام باشد، بلکه باید در همخوانی با آن صورت پذیرد. او افزود: «اگر آثار سهروردی را که من سال‌ها روی آن کار کردم بخوانید، می‌بینید که ایشان در فضاهای روایتی، یک نسبت حیرت‌انگیز میان روایت تصویری و کلامی ایجاد کرده‌است؛ جایی که روایت دانای کل یا روشن‌بین با تصاویری که آورده، در هم تنیده شده‌اند.» او ادامه داد: «در اروپا از دهه ۸۰ به بعد، شاهد بازگشتی به سمت کلام، تئاتر دیالوگ و مونولوگ هستیم تا اجازه دهند افراد دوباره در درون خود، تصاویر را بیاورند، چراکه عدم تعادل، از جایی شروع می‌شود که تصویر به‌تنهایی و بدون وزن کلامی باشد.»

دریچه

سریالی که ظرفیت‌های مغفول در ادبیات را نشان می‌دهد

«بامداد خمار» و بیداری پیوند فراموش شده ادبیات و سینما

■ **روزبه فکور**

ضعیف بودن پیوند میان ادبیات و سینما امری مشهود و انکارناپذیر در سینما، تلویزیون و شبکه نمایش خانگی است. برخلاف سینمای کشورهای پیشرفته که در طول سال فیلم‌ها و سریال‌های اقتباسی زیادی در آن ساخته می‌شود، در ایران این موضوع به ندرت رخ می‌دهد.

سال گذشته شبکه نمایش خانگی تنها سه سریال اقتباسی به خود دید و در سینما هم شاهد اتفاق خاصی در این زمینه نبودیم. با اینکه همچنان پیوندهای سینما و ادبیات در سینما و نمایش خانگی ضعیف است، ولی ساختن فیلم‌های اقتباسی محدود تا حدودی امیدواری‌ها جهت پیشرفت در این حوزه را بالا می‌برد. تازه‌ترین سریال اقتباسی که از شبکه نمایش خانگی پخش شده، «بامداد خمار» به کارگردانی نرگس آبیار است. این سریال با اقتباس از داستان محبوب و پرخواننده فتانه حاج سیدجوادی ساخته شده تا حرکتی نویی در زمینه اقتباس‌های ادبی باشد.

پیش از این قرار بود حسن فتحی در سال ۱۳۹۷، به سراغ اقتباسی از این کتاب برود که مشغله‌ها و درگیری‌های فتحی مانع از انجام این کار شد. دو سال بعد کیانوش عیاری تصمیم به ساخت سریالی از کتاب «بامداد خمار» گرفت که در نهایت محقق نشد و پس از کش و قوس‌های فراوان، سرانجام آبیار این کار را به سرانجام رساند.

معمولاً کارگردانان و فیلمسازان ایرانی با نگاهی تردیدآمیز به ادبیات عامه‌پسند نگاه می‌کنند و بیشتر دنبال کتاب‌های شاخص ادبی داخلی

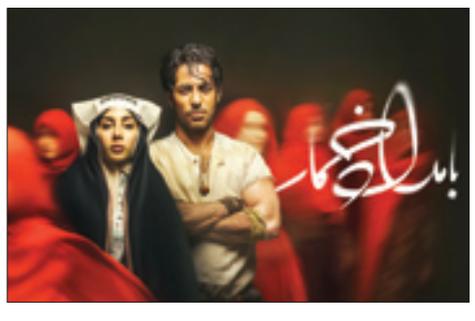

و خارجی می‌گردند. در حالی که کتاب‌های عامه‌پسند برای شناخت اجتماعی و انسانی مردم یک دهه از اهمیت زیادی برخوردار هستند. در این کتاب‌ها توجه به سبک زندگی، نوع دغدغه و علایق مردم مورد توجه قرار گرفته و نویسندگان‌شان به شکلی جزئی‌نگر به داستان و اتفاقات پیرامون شخصیت‌ها می‌پرداختند. شاید برخی از دغدغه‌ها و حوادث این کتاب‌ها برای مخاطبان دهه‌های بعد چندان ملموس و قابل درک نباشد ولی برای بررسی دهه‌های گذشته اهمیت دارد. اقتباس از این کتاب‌ها، دایره مخاطبان بیشتری را به سمت این کتاب‌ها می‌کشاند و پس از مدت‌ها نام کتاب محبوب خوانندگان ایرانی در دهه ۷۰ را بر سر زبان‌ها می‌اندازد.

سریال «بامداد خمار» در نخستین قسمتش تلاش کرده تا مخاطب را به فضای داستان نزدیک کند و با جلوه‌های بصری درست، بیننده را به تهران قدیم و دهه ۶۰ ببرد. آبیار که خودش در گذشته نویسنده بوده و پیش از این سابقه اقتباس را در سینما و شبکه نمایش خانگی داشته، این‌بار به شکلی پخته‌تر با داستان «بامداد خمار» برخورد کرده است.

آبیار در «بامداد خمار» تلاش کرده اقتباسی وفادارانه از داستان داشته باشد تا احساس خاطره‌انگیز و نوستالژیک خواننده از کتاب را خدشه‌دار نکند. سریال همانند کتاب، قلاب خودش را به درستی برای گیر انداختن مخاطب می‌اندازد و از همان ابتدا با ایجاد گره و تعلیق، دنبال روایتی درست و سرراست است. معرفی شخصیت‌ها به درستی انجام می‌شود و به بیننده اجازه نزدیک شدن به آنها و دنبال کردن سرگذشت‌شان را می‌دهد. ضمن اینکه دوربین و کارگردانی آبیار در این اثر پخته‌تر از تجربه‌های قبلی است و مخاطب را با خودش همراه می‌کند. اگر سریال در ادامه بتواند با همین قوت و قدرت داستانش را پیش ببرد، یکی از اتفاقات خوب شبکه نمایش خانگی رقم خواهد خورد و خاطره‌ای خوب برای مخاطبانش به جا خواهد گذاشت. شبکه نمایش خانگی در این روزها بیش از هر چیز تشنه روایتِ داستان‌های جذاب و درست است. دور شدن از فضای خشن و رفتن به سمت داستان‌ها و ژانرهای متفاوت، موجب ارتقای کیفی آثار در شبکه نمایش خانگی می‌شود. این تنوع و تکثر اتفاقی است که باید زودتر از اینها می‌افتاد و جانی تازه به پلتفرم‌های شبکه نمایش خانگی می‌داد.

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای (نوبت اول)
ARAS FREE ZONE
توسعه نظارت تصویری سازمان
(تهیه دوربین‌های توسعه نظارت تصویری منطقه و فرهنگسرا و تجهیزات جانبی)
شماره فراخوان: ۲۰۰۴۰۹۱۷۵۰۰۰۰۰۶۴
سامانه تدارکات دولت الکترونیک: www.setadiran.ir
متن کامل آگهی در سایت: www.arasfz.ir
اداره کل روابط عمومی و امور بین الملل سازمان منطقه آزاد ارس